

## نقش ظفر خان احسن در گسترش شعر فارسی در هند

سیر تحول ادبیات فارس و تاجیک علاوه بر ایجادیات ادیبان مشهور به خدمات شاهان و امیران فرهنگ‌سالار و ادب‌پرور نیز تکیه می‌کند که ادبیات از فیض سیاست و کشورداری آنها رواج و رونق گرفته، ادیبان در پناه مهربانی آنها توفیق یافته‌اند. افزون بر این امیران و سیاست‌مردان با برگزاری محافل شعر و سخن و شنیدن اشعار سخنوران به الهام آمده، اشعار نابی سروده‌اند یا به آفریدن آثار گرانمایه ادبی موفق شده‌اند. تاریخ در صحیفه‌های خود نام شاهان و امیرانی را رقم زده است که در بزرگداشت و ترویج دانش و هنر، تأسیس کتابخانه و دانشگاه‌ها و تشویق سخنوران به شعر و شاعری رغبت زیاد داشته، در اثر مصاحبت با شاعران و شنیدن اشعار آنها اغلب خودشان نیز به سخن‌سرایی موفق شده‌اند. حتی تعدادی از این دولت‌مردان در برابر عظمت و شکوه سیاسی، به عنوان شاعران صاحب دیوان یا نمایندگان برجسته ادبیات دور خود مطرح شده‌اند. در زمره همین گونه رجال ادبی و سیاسی عهد تیموریان هند که با نهایت وسعت قلب از شعرا و نویسندگان سرپرستی می‌کرد و نهال زبان و ادبیات فارسی را در هند غرس و آبیاری می‌نمود، ظفر خان احسن (۱۶۷۰-۰۵/۱۶۰۴) می‌باشد. به قول مؤلف «سفینه خوشگو»:

”در قدردانی هنر و هنرمندان و صاحب‌سخنان و طبع‌بلندان بعد از عبدالرحیم خان سپه‌سالاری مثل وی در هندوستان پیدا نشده... در شعرفهمی و شاعرنوازی دست عظیم داشت“<sup>۱</sup>.  
صاحب تذکره «میخانه» عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی نیز او را ”صاحب جوهر و

۱. خوشگو، بندرابن داس، سفینه خوشگو، ص ۹.

جوهرشناس" نام می‌برد و "سری در صحبت و تربیت ارباب کمال" داشتنش را تأکید می‌کند.<sup>۱</sup> محمد قدرت‌الله گوپامویی در "نتایج‌الافکار" به همین معنی نوشته که ظفر خان احسن "همیشه به ارباب فضل و کمال صحبت داشتی و نظر بر تربیت و حمایت‌شان گماشتی"<sup>۲</sup>.

صاحب «مآثرالامرا» در حق کرم و سخاوتمندی او چنین نوشته:

"...زرها به مردم ایران می‌داد، خصوص در حق شعرا طرفه بذل و کرم می‌فرمود. سخنوران صاحب‌استعداد دل از اوطان برداشته، روی امید به درگاهش می‌گذاشتند و به منت‌های متمناً می‌رسیدند، خود نیز شعر را به کمال رسانیده..."<sup>۳</sup>.

وقتی ظفر خان احسن استانداری کابل، تته و کشمیر را به عهده داشت، او همیشه برای پیشرفت و توسعه شعر و ادب فارسی در این منطقه هند کوشش به خرج می‌داد. ظفر خان برای اهل علم و فرهنگ حامی و مربی و مشوق نیکو بود و آنها را به صله و پاداش گرانبها می‌نواخت. اکثر سخنوران معروف زمان از شعرپروری و ادب‌نوازی این "قدردان علم و هنر" و سخاوتمندی این "مردی نهایت بخشنده"<sup>۴</sup> فیضیاب گردیدند. مثلاً، صائب تبریزی از زمره سخنورانی بود که از ظفر خان احسن اکرام و احترام و نوازش کالی دید و چندی در زیر سرپرستی او زندگی بسر برد. صائب چون از شعردوستی و شاعرنوازی ظفر خان احسن آگاهی یافت، به شوق دیدار وی از ایران به کابل رفت و طی چند سالی که او مأمور حکومت کابل بود، در خدمتش بود. چون بین صائب و ظفر خان رابطه صمیمی برقرار بود، صائب از ابتدا تا آخر از ظفر خان جدا نشد و هر کجایی که ظفر خان می‌رفت، صائب همراه او بود. اگرچه صائب با کمک ظفر خان به دربار شاهجهان پادشاه (۱۶۲۷-۱۶۵۸) راه یافته، از ملازمان او گردید

۱. فنخرالزمانی، عبدالنّبی قزوینی، میخانه، ص ۸۵۴

۲. قدرت‌الله گوپامویی، محمد، نتایج‌الافکار، ص ۴۹.

۳. شاهنواز خان، مآثرالامرا، ص ۷۶۱-۷۶۲.

۴. نعمانی، شبلی، شعرالعجم، ص ۱۶۰

ولی زمانی که ظفر خان احسن (۱۶۳۲) به استانداری کشمیر رسید، صائب همراهش به کشمیر رفت و مدتی در این کشور مینونظیر روزگار بسر برد.<sup>۱</sup>

صائب بارها در اشعارش فیض بخشی‌های او را به قلم آورده است. از جمله:  
دست گوهر بار او نگذاشت در روی زمین اشک در چشم یتیمی سبچه گردانی کند<sup>۲</sup>  
در جای دیگری سخاوت‌مندی ظفر خان را بدین الفاظ مورد تحسین قرار داده است:  
خان خانان را به بزم و رزم صائب دیده‌ام

در سخا و در شجاعت چون ظفر خان تو نیست<sup>۳</sup>

حتی وقتی که صائب از هند به ایران برگشت، رشته دوستی بین آنها هیچ گاه گسسته نگردید و به واسطه نامه و پیام برقرار بود. در یکی از نامه‌ها صائب غزلی برای ظفر خان ارسال نموده، در آن محبت و احسان خویش را نسبت به او اظهار داشته است.  
ظفر خان به صلۀ آن ۵ هزار روپیه به اصفهان برای صائب روانه کرده. از آنجاست:  
دوردستان را به احسان یاد کردن همت است

ورنه هر نخلی به پای خود ثمر می‌افکند<sup>۴</sup>

از سخنوران معروف دیگر که همراه ظفر خان احسن وارد کشمیر گشت، میر الهی همدانی بود. خواجه اعظم دیده‌میری در این بابت چنین نوشته است:

”چون خلعت صوبه‌داری به ظفر خان عطا شد، شاهجهان پادشاه در دیوان فرمود که: از ظفر خان ضامن بگیرند که سکنه کشمیر را از خود راضی بدارد! میر الهی حاضر بود، بدیهه به عرض رسانید: خدا ضامن، رسول و چار یارش! پادشاه محظوظ شد و ظفر خان عرض کرد که: حکم شود الهی رفیق و امین باشد! منظور شد و با ظفر خان در کشمیر آمده.“<sup>۵</sup>

۱. اسلم خان، محمد، ظفر خان احسن، ص ۵۲؛ شعرالعجم، ص ۱۶۲؛ ناصری، مهدی حسین، صنادید عجم، ص ۳۱۷-۳۱۸.
۲. ظفر خان احسن، ص ۵۳.
۳. همان، ص ۴۹.
۴. همان، ص ۵۴.
۵. خواجه اعظم دیده‌میری، تاریخ اعظمی، ص ۱۵۳.

میر الهی من بعد کشمیر را مقام سکونت دائمی خویش قرار داده، در رواج و رونق ادبیات فارسی زبان آن سهم بسزایی گذاشت.

محض در زمان حکمرانی ظفر خان احسن کشمیر از نقطه نظر علمی و ادبی دوره درخشانی را از سر گذرانید. دوره استانداری این مرد فرهنگ‌پناه که "بین سرپرستان شهیر ادبیات فارسی در ردیف اول می‌ایستاد"<sup>۱</sup>. برای ترقی تمدن کشمیر مساعدت نمود. نه تنها قدردانی‌ها و بذل و بخشش‌های او به اهل فضل و کمال موجب پیشرفت ادبی و فرهنگی این دوره گردید، بلکه او کوشش به خرج می‌داد که در احیا و رونق پدیده‌های فرهنگی اهتمام ورزد. دربار ظفر خان به این معنی ممتاز بود که او خود در سخن‌گستری مهارت تام داشت و همچون شاعر نازک‌خیال به شعر اهمیت خاصه ظاهر می‌نمود. شعرای زمان می‌توانستند با این حاکم شاعرپیشه قرابت پیدا نموده، به دربارش راه یابند. از این سبب بود که در زمان استانداری او شعرای معروف زمان به این سرزمین آمد و رفت زیادی نمودند و پیرامونش گردآمده، به محفل‌های شعر و سخن فارسی و مجلس‌های ادبی که ظفر خان احسن در این سرزمین رواج داده بود، رونقی بخشیدند. در زمره چنین سخنوران زبردست می‌توان کلیم کاشانی را نام برد. لازم به تذکر است که وقتی این «استاد قیامت‌کار»<sup>۲</sup> به کشمیر قدم نهاد، او از دربار شاهجهان به خطاب «ملک الشعرا» امتیاز یافته بود. چنان که محمد افضل سرخوش می‌نویسد:

"در فنون جمیع اقسام سخن‌سنجی طاق و در انواع کمالات نکته‌پروری شهره آفاق بود"<sup>۳</sup>.

حضور و اشتراک فعالانه چنین شاعر برجسته زمان در حیات علمی، ادبی کشمیر، بی‌شک، به رواج و رونق زبان و ادبیات فارسی در این قلمرو مساعدت می‌نمود. وقتی که کلیم کاشانی وارد کشمیر گشت، با ظفر خان احسن آشنایی از قبل داشت. در این مورد مؤلف «تاریخ کشمیر» چنین نوشته است:

۱. ریاض، محمد، سرزمین و مردم کشمیر، ص ۸۲.  
 ۲. حسن خان، نواب محمد صدیق، شمع انجمن، ص ۴۰۲.  
 ۳. کلمات الشعرا، ص ۱۵۵.

”کلیم قبل از راه یافتن به دربار شاهجهان همواره در مصاحبت امرای بزرگ، مانند ظفر خان متخلص به احسن صوبه‌دار کشمیر و کابل بسر می‌برد“<sup>۱</sup>.  
اشعار کلیم کاشانی در تعریف سخا و احسان و عدل و داد ظفر خان احسن دلالت بر آن می‌کند که او نیز از لطف و عنایات این حامی و مربی و مشوق اهل سخن برخوردار گشته، با او ارادت قلبی و ربط صمیمی داشته است:  
چو احسانش به حال خلق پرداخت      دل کان و کف دریا تهی ساخت  
به حسن خلق او یوسف خریدار      به خاتم‌داری‌اش خاتم سزاوار<sup>۲</sup>  
کلیم در مقطع غزلی که مطلع‌اش:  
عزت دیگر بود در دامن صحرا مرا      می‌گذارد هر کجا خاریست سر در پا مراست  
چنین گفته است:

هم‌صفیری نیست، خاموشم در این گلشن      کلیم بلبل باغ ظفر خان می‌کند گویا مرا<sup>۳</sup>  
بنا به معلومات خود ظفر خان احسن که در دیباچه دیوانش آورده است، صائب تبریزی، ابوطالب کلیم، میر الهی، مولانا حیدر خصالی، قاضی ابوالقاسم، محمد مقیم جوهری، میرزا محمد معصوم، میرزا جلال طباطبایی، مولانا رونقی، ملّاشاه بدخشی، غنی کشمیری، فانی کشمیری، ملّا منعمی، وحشی، انسی، میرزا حسین، میرزا محمد قزوینی، سعید صوفی، میر محمد باقر علوی، محمد جان قدسی مشهدی و دیگر شعرای مشهور زمان شمع و چراغ محافل و مجالس ادبی کشمیر بوده‌اند.<sup>۴</sup>  
همین محفل‌های شعر و سخن فارسی و مجالس‌های ادبی که به همت ظفر خان احسن ترتیب داده می‌شد، موجب تشویق شعرا و ترقی و پیشرفت شعر، علی‌الخصوص غزل فارسی گردید. در این محفل‌ها غزلی به سنجش گذاشته می‌شد و شعرا در آن غزل طبع‌آزمایی می‌نمودند. محمد محسن فانی کشمیری در مقدمه دیوان خود به این معنی نوشته است:

۱. فوق، محمدالدین، تاریخ کشمیر، ص ۷۱.

۲. ظفر خان احسن، ص ۵۵.

۳. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ص ۶۳.

۴. ظفر خان احسن، دیوان، ص ۱۲۳.

”ظفر خان محفل‌های مشاعره غزل فارسی را مانند مشاعره‌هایی که در دربار دهلی رواج داشت، در کشمیر هم آغاز کرد. بعد از او امرا و حکمرانان کشمیر این سنت را حفظ کردند و ذوق شعر فارسی در کشمیر از محفل‌ها رواج و رونق گرفت“<sup>۱</sup>.

خود ظفر خان احسن نیز در دیباچه دیوانش چنین ذکر نموده است:  
 ”جمع دیگر از ارباب استعداد و خداوندان فطرت خداداد که صیت شهرت و کمالات این دو سه قابل به چهار رکن عالم رسیده، همواره به مجالست و مصاحبت یکدیگر مسرور بوده، هنگامه سخن را تازه دارند“<sup>۲</sup>.

واقعاً در عهد ظفر خان احسن در کشمیر جمع شدن بزرگ‌ترین و معروف‌ترین سخن‌سرایان سبک هندی (صائب تبریزی، ابوطالب کلیم، طالب آملی، سلیم تهرانی، طغرای مشهدی، قدسی مشهدی، سالک قزوینی، ابوالفیض فیضی و غیره) وجود شرایط مساعد ایجاد می‌یافت. یکی از عوامل رونق طرز ”نو“ در این قلمرو گردید. شرکت آنها در محفل‌های ادبی، رابطه و علاقه ایشان با شاعران این منطقه، محاوره و مشاعره، بدیهه‌گویی‌هایی که در محفل‌ها جریان می‌گرفتند، باعث بر آن شد که سخنوران این منطقه از بهترین پدیده‌های ادبی سروزمان آگاه گردیده و خود آنها نیز نوجویی و تازه‌کاری‌ها ظاهر کنند. به دلیل این گفته می‌توان به معلومات شبلی نعمانی رجوع نمود که به زندگی و صحبت‌های شعرای بزرگ عهد، صائب، کلیم و غنی در کشمیر اشاره نموده است. از نظر این محقق برجسته محض بر اثر همین ارتباط ایشان سبک هندی را «جولانگاه مشترک» گردانیده‌اند.<sup>۳</sup> بدیهه‌گویی و نظیره‌سرایی که در ادبیات این دوره جریان داشت، شاید به این گرمی و انتشار در هیچ دوره ادبی به مشاهده نرسد. این چنین، نکته‌دانی و سخن‌سنجی و شعرشناسی ظفر خان احسن بود که شعرا در کار خود جدیت و توجه به خرج می‌دادند که این هم موجب ترقی شعر و ادب گردید.

۱. ظفر خان احسن، ص ۴۷.

۲. همان، دیوان، ۱۲۳.

۳. شعرالعجم، ص ۱۸۲.

او در محفل‌های ادبی تنها نقش ناظر را نداشته، همچون ناقد بلندپایه اکثر به تصحیح و انتقاد سخن شعرا می‌پرداخت و حسن و قبح اشعار آنان را می‌اندیشید. به خاطر همین نکته‌سنجی ظفر خان احسن بود که شعرا تمام همت خود را بر آن می‌گماشتند که سخن خود را حتی‌الامکان به پایه بلند برآورند و در فن خود به تکامل و پیشرفت مشرف گردند، تا که زاده طبع آنان مطبوع طبع حاکم سخن‌سنج و خوش‌قریحه باشد. البته، این مشاعره‌هایی که ظفر خان احسن در کشمیر ترتیب می‌داد، موجب تشویق شعرا، تکان اوضاع ادبی و فرهنگی این سرزمین گردید. به قول ذبیح‌الله صفا:

”درگاه ظفر خان احسن مانند دستگاه امارت میرزا عبدالرحیم خان خانان محل اجتماع شاعران استاد بود و به ویژه کشمیر در دوره صوبه‌داری او از جمله مراکزهای مهم ادب فارسی گردید“<sup>۱</sup>.

نتیجه همین گونه توجه بی‌اندازه ظفر خان احسن به ادبیات بود که محبت وی در دل شعرا سخت جا گرفته، در بین ایشان اعتبار خاصه و احترام بی‌اندازه پیدا نمود. به همین وجه است که در باب از کشمیر رفتن ظفر خان احسن کلیم کاشانی اظهار تأسف کرده نوشته است:

شکوه درد ترا کی پیش درمان می‌کنیم  
 تشنه می‌میریم و شکر آب حیوان می‌کنیم  
 بی تو تاریک است کشمیر، ای چراغ دیده‌ها  
 ما سیه‌روزییم، در شب سیر بستان می‌کنیم  
 گل اگر تا سینه در کشمیر می‌آید، چه سود  
 ما که گل از اشک خونین در گریبان می‌کنیم  
 در کمین عیش از بس دیده بد دیده‌ایم  
 باده را از چشم ساغر نیز پنهان می‌کنیم  
 از ظفر خان بود این جمعیت و طرح غزل  
 با که دیگر زلف معنی را پریشان می‌کنیم

۱. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ص ۳۸۳.

ماجرای دیده می‌گوییم پیش سیل اشک  
 ابله‌ی بین! شکوه کشتی به طوفان می‌کنیم  
 تا تو رفتی، دل به فکر خویشتن افتاده است  
 سر چو می‌بازیم، آنگه فکر سامان می‌کنیم  
 باده کشمیر از بزم تو صاحب نشئه بود  
 بی تو ما خاطر نشان می‌پرستان می‌کنیم  
 داغ می‌ماند کلیم از لاله‌زار، از دست رفت  
 هرچه دشوار است، ما بر خویش آسان می‌کنیم<sup>۱</sup>

ظفر خان احسن در سخن‌گستری نیز شهرت زیاد یافت. به گفته خودش از ۱۸ سالگی شعر گفتن را آغاز کرده است. مؤلفان تذکره‌های ادبی «ذخیره‌الخوانین»، «تذکره نصرآبادی»، «کلمات‌الشعرا»، «تذکره شعرای متقدمین»، «سفینه خوشگو»، «همیشه‌بهار»، «مآثر الامرا»، «ریاض‌الشعرا»، «مجمع‌النفایس»، «سرو آزاد»، «مقالات‌الشعرا»، «صحف ابراهیم»، «مرآت آفتاب‌نما»، «نتایج‌الافکار»، «شمع انجمن»، «نشر عشق» و غیره. بر صاحب طبع روان بودن او تأکید نموده‌اند. و اگرچه ظفر خان احسن گاه گاه متوجه ترتیب نظم می‌شد اما «صاحب فکر صائب و ذهن ثاقب»<sup>۲</sup> و «عالی طبع»<sup>۳</sup> بودنش باعث بر آن گردید که او «در علم سخن اعجازها کرده»<sup>۴</sup>. به قول صاحب «تاریخ اعظمی» ظفر خان در سخن‌گویی «گوی سبقت از اقران می‌ربود»<sup>۵</sup> و به نوشته مؤلف «سفینه خوشگو» «در شعر فہمی و شاعر نوازی دست عظیم داشت»<sup>۶</sup>. سراج‌الدین علی خان آرزو نیز در اعتراف اقتدار هنری و ارزش آثار ظفر خان نوشته است که «افتخارش همین بس که

۱. تذکره شعرای کشمیر، ص ۶۳.

۲. نتایج‌الافکار، ص ۴۹.

۳. حسین قلی خان عظیم‌آبادی، نشر عشق، ج ۱، ص ۱۴۳.

۴. تذکره شعرای کشمیر، ص ۳۰.

۵. تاریخ اعظمی، ص ۱۴۰.

۶. سفینه خوشگو، ص ۹.



میرزا صائب مادیه آستان اوست...<sup>۱</sup> و یا "میرزا تعریف سخندانی او بسیار می‌کند" گفتن سراج‌الدین علی خان آرزو<sup>۲</sup> نیز حجّت به هنر شایسته و مهارت بلند سخن‌آفرینی ظفر خان است.

از ظفر خان احسن قصاید، غزلیات، رباعیات، مثنوی‌های «جلوه ناز»، «هفت منزل»، «میخانه راز» و «ساقی‌نامه» باقی مانده است. غزلیات او که تعدادش ۳۸۳ عدد بوده، تقریباً از ۲ هزار بیت عبارت می‌باشد، بیشتر مضمون عرفانی و عشقی دارد. مثنوی «جلوه ناز» را که عبارت از ۶۵۰ بیت است، ظفر خان در سن ۱۸ سالگی‌اش در پیروی «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی ایجاد نموده است. در مثنوی نام گل‌ها و ریاحین، میوه‌جات و نباتات، حیوانات هندوستان زیاد استفاده شده است. «هفت منزل» ظفر خان احسن (۷۰۰ بیت) با وجوهات خاص هنرمندانه سروده شده، در آن طبیعت دیار خوش‌منظر کشمیر با طراوت و زیبایی‌اش جلوه‌نمایی می‌کند. از آن جاست:

الها، تا بود کشمیر آباد ز گلزار خراسانم مده یاد  
به هر کس هرچه خواهد، بی‌سخن ده مرا کشمیر و بلبل را چمن ده<sup>۳</sup>

مثنوی «میخانه راز» (۵۰۳ بیت) که با مقدمهٔ منثور آغاز می‌گردد، در وصف می و نشهٔ بادهٔ ناب است.

به قلم ظفر خان «ساقی‌نامه» نیز منسوب است که به طریق ترجیع‌بند نوشته شده، از ۷ بند (۵۵ بیت) عبارت است. ظفر خان در «ساقی‌نامه» اش طلب شراب و وصف مطرب و ساقی و مغنی و جام کرده است. مؤلف «میخانه» عبدالنّبی فخرالزمانی قزوینی آن را در سلک ساقی‌نامه‌های هنرمندانه نام می‌برد.<sup>۴</sup>

ظفر خان همچنین مجموعهٔ اشعار شعرای معاصر خود را به خط خود سخنوران جمع‌آوری نموده بود که پشت صفحه تصویر صاحب آن اشعار ضمیمه شده بود. مؤلف

۱. تذکرهٔ شعرای کشمیر، ص ۴۰.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. همان، ص ۶۹.

۴. میخانه، ص ۷۹.

«کلمات الشعرا» محمدافضل سرخوش دربارهٔ این مجموعه چنین خبر داده است:  
 «تذکره اشعار سخنوران نامدار که با وی ربط آشنایی داشتند، مثل صائب و قدسی و کلیم و سلیم و دانش و میر حیدر و هر دو سالک (سالک یزدی و سالک قزوینی) و غیره هم که در آن زمان کوس خوش خیالی می‌نواختند، انتخاب هر کدام به خط او نویسانیده، به پشت سرورق صورت آن معنی سنج نیز ترتیب کرده بود»<sup>۱</sup>.

بنا به نوشتهٔ سرخوش او یک ورقی را از آن مجموعه دیده است که در آن تصویری شبیه کلیم کاشانی بوده<sup>۲</sup>.

جای تذکر است که مؤلفان تذکره‌های «کلمات الشعرا» و «سفینه خوشگو» این مجموعه را همچون «تذکره» قلمداد نموده‌اند<sup>۳</sup>، صاحبان «صحف ابراهیم»، «نشر عشق» و «بزم تیموریه» ضمن معلومات دادن دربارهٔ این مجموعه آن را «بیاض» نامیده‌اند<sup>۴</sup>. شبلی نعمانی این مجموعه را «مرقع» ذکر نموده، تأسف می‌خورد که آن از بین رفته است: «ظفر خان، - می‌نویسد او، مرقع عجیبی ترتیب داده بود که امروز اگر به دست بیاید، شاید صدها هزار ریال بهای آن باشد و آن بیاض ماندی بود که هر شاعر اشعار گزیده‌اش را در جایی از آن به دست خود نوشته و به پشت صفحه هم تصویر خود شاعر درج بوده است»<sup>۵</sup>.  
 علی‌رضا نقوی نیز آن را «مرقع» نامیده، تأکید بر آن می‌کند که سرخوش آن را اشتبهاً تذکره نوشته است<sup>۶</sup>.

۱. کلمات الشعرا، ص ۵.

۲. همان.

۳. همان؛ سفینه خوشگو، ص ۱۰.

۴. خلیل، ابراهیم علی خان، صحف ابراهیم، ص ۶۶؛ نشر عشق، ص ۱۴۳؛ عبدالرحمان، سید صباح‌الدین، بزم تیموریه، ص ۱۷۳.

۵. شعرالعجم، ص ۱۴.

۶. نقوی، سید علی رضا، تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۱۳.

اشعار ظفر خان بیشتر به وصف بهار، طبیعت زیبا منظر کشمیر و کابل و اکبرآباد، مسایل عشقی و اخلاقی و عرفانی و غیره بخشیده شده است. گاهی ما احسن را به حیث یک شاعر عاشق و عارف موحد ببینیم، گاه دیگر او را چون حکیم رمزآشنا و فیلسوف ژرف‌نگار می‌شناسیم.

وصف بهار کشمیر، باغ‌های آن و دیگر مناطق دلفریب این خطه در مرکز اشعار ظفر خان احسن قرار داشتند. این بود که صاحب «تاریخ اعظمی» نوشته است:

”در تعریف کشمیر کلام بسیار دارد“<sup>۱</sup>.

او در مقدمه دیوانش نسبت به اشعاری که به کشمیر بخشیده است، چنین اندیشه دارد:

”ابیات تعریف کشمیر از راه موافقت و رسایی همه دلپذیر و کشمیر دلپذیر بی‌رعایت قافیه هم جنت‌پذیر. اگرچه شعرای فصاحت‌شعار هر عهد و ادبای بلاغت آثار هر قرن در تعریف و توصیف این بلده بی‌نظیر نکته‌سرای‌ها نموده‌اند، اما بر سخن‌شناسان دقایق پیشه و موشکافان نازک‌اندیشه پوشیده نیست که چون این رطب به آن یابس و این غث به آن سمین به نظر انصاف درآید، تفاوت از جسم است تا جان و از زمین تا آسمان و از صالح به فاسد و رایج به کاسد و خار به گل و حسان عجم به زید و... بیگانگی به آشنایی“<sup>۲</sup>.

ظفر خان احسن درباره باغاتی که در زمان استاندار کشمیر بودندش در بنیاد آنها زیاد اهتمام ورزیده است (از آن جمله، باغ‌های ظفرآباد، گلشن، عنایت و حسن‌آباد با امر او بنیاد گشتند)، چنین گفته:

ظفرآباد ما کم از جنان نیست      چنین پرفیض باغی در جهان نیست<sup>۳</sup>

همچنین، در وصف باغ الهی و باغ حسن‌آباد سروده است:

یکی زان باغ‌ها باغ الهی‌ست      که رضوان را ز رشکش چهره کاهی‌ست  
حسن‌آباد ز آنها هست ممتاز      گلش در دلربایی شوخ و طنناز<sup>۴</sup>

۱. تاریخ اعظمی، ص ۱۴۰

۲. ظفر خان احسن، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۴۲.

۴. همان.

در وصف دیگر باغ‌های کشمیر نیز با یک جهان محبت و صداقت داد سخن داده، آنها را «آبروی صد بهار» و «رشک جنت» می‌شمارد:

به دور دل گلستان بی‌شمار است که هر یک آبروی صد بهار است<sup>۱</sup>

در اشعار ظفر خان احسن تنقید اهل ریا و واعظان عوام‌فریب وجود دارد. او کوشیده است که در نکوهش زهد خشک و خودفریبی این طایفه حرف‌های بسزا گوید. به این نسبت است که می‌فرماید:

ناصر و واعظ مرا، احسن، به جان آورده‌اند باد، یا رب، خانه عمر ملامت‌گر خراب<sup>۲</sup>

در اشعار احسن سخن گاهی از پند و نصیحت، ترنم تواضع، گاه دیگر انسان‌دوستی و دیگر مسایل مهم اخلاقی می‌رود. مثلاً:

پرده‌های چشم بهر عیب‌پوشی داده‌اند کور بادا دیده‌ای، کو عیب را ظاهر کند<sup>۳</sup>

و یا:

نیست جز جنس خجالت گر کُشایی بار ما وای گر پرسند روز حشر از کردار ما

آنچه ما با باغبان از چیدن گل کرده‌ایم روز محشر گل کند از گوشه دستار ما<sup>۴</sup>

تقریباً هشت نسخه «کلیات» و «دیوان» ظفر خان احسن در کتابخانه‌های گوناگون جهان محفوظ می‌باشد. از جمله، دو نسخه «کلیات» ظفر خان تا به امروز رسیده است که یکی به خط خودش سال ۱۶۴۳/۱۰۵۳ استنساخ شده، در کتابخانه بانکی پور، پتنه نگهداری می‌شود. نسخه مذکور دو دیباچه، «ساقی‌نامه»، غزلیات، رباعیات (۱۵ عدد)، مثنوی‌های «جلوه ناز» و «میخانه راز» و ترقیمه را فراگیر می‌باشد.<sup>۵</sup>

نسخه دیگر کلیات احسن در کتابخانه دانشگاه علی‌گره موجود است.<sup>۶</sup>

۱. ظفر خان احسن، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۳۴.

۳. قانع تتوی، میر علی شیر، مقالات الشعراء، ص ۳۸۰.

۴. مقالات الشعراء، ص ۳۸۱.

۵. تذکره شعرای کشمیر، ص ۷۱-۷۲؛ Muqtadir, Maulavi Abdul. Catalogue of the Arabic and Persian MSS in the Oriental Public Library at Bankipore, Calcutta, P. 320-330.

۶. تذکره شعرای کشمیر، ص ۷۲.

چند نسخه دیوان ظفر خان عبارت از غزلیات، قصاید، رباعیات و مثنوی‌ها در کتابخانه‌های گوناگون جهان محفوظ می‌باشند. از جمله، در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال<sup>۱</sup>، اندیا آفیس<sup>۲</sup>، موزه بریتانیا<sup>۳</sup>، بادلیان<sup>۴</sup>، بانک پور پتنه<sup>۵</sup>، اوده<sup>۶</sup>، مدراس<sup>۷</sup>، و غیره. نسخه‌ای از مثنوی «هفت منزل» در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود<sup>۸</sup>.

همین طریق، ظفر خان احسن در برابر نقش مؤثر گذاشتن به رشد محیط علمی و فرهنگی عهد خویش به حیث مربی، حامی و قدرشناس شعر و ادب فارسی، به مثابه سخنور ممتاز نیز اعتراف گردیده است که با محصول ایجادش در ادبیات فارسی زبان هندوستان مقام شایسته دارد. پیوند و دلبستگی به شعر و شاعری و بازتاب هنر نگارندگیش به توجّه عمیق به رواج ادبیات در محیط سیاسی یا دربار اشارت می‌کند و برابر به این هنر شاعری این ارباب سیاسی را به ثبوت می‌رساند.

- 
1. Ivanov W. Concise descriptive catalogue of the Persian Manuscripts in the Curzon Collection of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta, p. 780; Marshall D. N. Mughals in India, A Bio-Bibliographical survey of manuscripts, p. 51.
  2. Ethe H. Catalogue of Persian MSS in the Library of the India Office, V.1, Part I, p. 1601.
  3. Rieu Ch. Catalogue of the Persian MSS in the British Museum, p. 687-88.
  4. Ethe H. Catalogue of Persian, Turkish, Hindustani and Pashtu Manuscripts in the Bodleian Library, Part I, p. 379.
  5. Catalogue of the Arabic and Persian MSS in the Oriental Public Library at Bankipore, p. 320-330; Marshall D. N. Mughals in India. A Bio-Bibliographical survey of manuscripts, p. 51.
  6. Sprenger A, A catalogue of the Arabic, Persian and Hindustani MSS of the Libraries of the King of Oudh, p. 325.
  7. Descriptive Catalogue of the Islamic MSS in the Government Oriental Manuscripts Library, Vol. 1, p. 152-154; Marshall D. N. Mughals in India. A Bio-Bibliographical survey of manuscripts, p. 51.

۸. احسن تربتی، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه‌قاره، ص ۱۰۰.

## منابع

۱. احسن تربتی، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، تهران، ۱۳۷۵.
۲. اسلم خان، محمد، ظفر خان احسن، دهلی.
۳. حسن خان، نواب محمد صدیق، شمع انجمن، بهوپال، ۱۲۹۲.
۴. حسین قلی خان عظیم‌آبادی، نشتر عشق، ۱۹۸۱.
۵. خلیل، ابراهیم علی خان، صحف ابراهیم، نسخه دست‌نویس شعبه دست‌نویس‌های شرقی کتابخانه دولتی برلین، شماره ۶۶۳.
۶. خواجه اعظم دیده‌مری، تاریخ اعظمی، سری‌نگر، ۱۸۸۶.
۷. خوشگو، بندراین داس، سفینه خوشگو (دفتر ثالث)، پتنه، ۱۹۴۲.
۸. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، کراچی، ۱۹۶۷.
۹. ریاض، محمد، سرزمین و مردم کشمیر، هلال، ۱۹۶۹.
۱۰. سرخوش، محمدافضل، کلمات الشعرا، لاهور، ۱۹۴۲.
۱۱. شاهنوازخان، مآثر الامرا، ج ۲، کلکته، ۱۸۹۰.
۱۲. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۳. ظفر خان احسن، دیوان به تصحیح محمد اسلم خان، دهلی.
۱۴. عبدالرحمان، سید صباح‌الدین، بزم تیموریه، اعظم‌گره، ۱۹۴۸.
۱۵. فخرالزمانی عبدالنبی قزوینی، میخانه، تهران، ۱۳۶۷.
۱۶. فوق، محمدالدین، تاریخ کشمیر لاهور، ۱۹۳۱.
۱۷. قانع تنوی، میر علی شیر، مقالات الشعرا، کراچی ۱۹۵۷.
۱۸. قدرت‌الله گوپامویی، محمد، نتایج الافکار، بمبئی، ۱۳۳۶.
۱۹. ناصری، مهدی حسین، صنایع عجم، اله‌آباد، ۱۳۴۶.
۲۰. نصرآبادی، میرزا محمد طاهر، تذکره نصرآبادی، تهران، ۱۳۶۱.
۲۱. نعمانی، شبلی، شعرالعجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. نقوی، سید علی رضا، تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران، ۱۹۶۷.

23. Descriptive Catalogue of the Islamic MSS in the Government Oriental Manuscripts Library, Vol. 1, Madras, 1939.
24. Ethe H., Catalogue of Persian MSS in the Library of the India Office, V. 1. Part I, Oxford, 1903.
25. Ethe H., Catalogue of Persian, Turkish, Hindustani and Pashtu Manuscripts in the Bodleian Library, Part I, Oxford, 1889.
26. Nabi Hadi, History of Indo-Persian Literature, Delhi, 2001.
27. Ivanov W., Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Curzon Collection of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta, 1924.
28. Marshall D. N., Mughals in India, A Bio-Bibliographical survey of manuscripts, London and New York, 1985.
29. Muqtadir, Maulavi Abdul, Catalogue of the Arabic and Persian MSS in the Oriental Public Library at Bankipore, Calcutta, 1925.
30. Rieu Ch., Catalogue of the Persian MSS in the British Museum, London, 1883, Vol. II.
31. Sprenger A., A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustani MSS of the Libraries of the King of Oudh, Calcutta, 1854.